

ایران

صاحب امتیاز: خیرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

اذان ظهر ۱۱/۴ | اذان مغرب ۱۷/۱۷ | نیمه شب شرعی ۲۳/۰۶ | اذان صبح فردا ۵/۱۴ | طلوع آفتاب فردا ۶/۴۱

امام‌علی (ع):

ندانی، مایه مرگ زندگان و دوام بدیختی است.

سخن روز

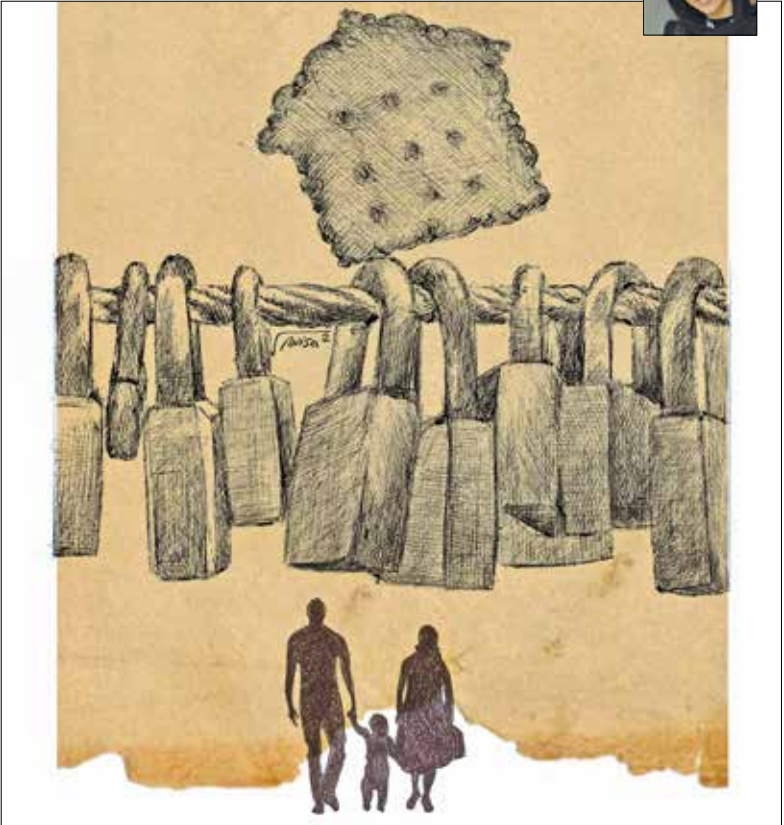
تصنیف غرالحکم و دررالکلم ص ۷۵

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰
تلفار: ۸۸۷۶۱۲۵۴
ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پاکت: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳
روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
مندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ /
انور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌چم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی
چاپخانه جام چم پرتز برنا
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱
شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۸۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۴۸۸۹۲۴-۵
http://irannewsaper.ir

نگاره

پریسا نور اللهی

رؤیای خرید خانه



#کرونا

هشتگ

احتمال تعطیلی دوهفته‌ای تهران و اینکه قرار است امروز درباره‌اش تصمیم‌گیری شود در کنار آمار بالای مبتلایان و قربانیان کرونا باعث شد تا بحث قرنطینه و لزوم آن یکی از بحث‌های مهم بین کاربران شبکه‌های اجتماعی باشد.
کاربرانی، حرف‌های معاون ستاد کرونا تهران را درباره شکل و شرایط تعطیلی بازنشر کردند و درباره‌اش نوشتند. البته در کنار اینکه خیلی‌ها معتقدند زودتر باید این تصمیم گرفته شود کسانی هم مخالف تعطیلی هستند‌واذ دلایل‌شان می‌نویسند:
«استاندار تهران گفته است با موضوع تعطیلی دوهفته‌ای تهران موافق است، اما ستاد ملی کرونا باید در این مورد تصمیم بگیرد.
تا اینجا خبرهای شهر، وزیر بهداشت، ستاد کرونای تهران و استاندار تهران موافق تعطیلی هستند. ستاد ملی کرونا چیست؟ مجموعه‌ای از همین‌ها. تصمیم کجاست؟ معلوم نیست»، «دچار چالش مدیریت تصمیم‌نهایی در پاندمی کرونا شده ایم. حجم تلفات انسانی و خسارت اقتصادی این بیماری با توجه به شرایط تحریم می‌رود که در درسه‌ساز شود.
بیزنس‌های خدماتی در شهرهای بزرگ دچار ورشکستگی شده‌اند. تعطیلی کامل کشور برای دوهفته بهتر از نیمه تعطیل بودن برای یکسال آینده است»، «تعطیلی دوهفته‌ای کرونایی تهران یعنی قتل عام کرونایی در مازندران»، «تهران ۸ ماه در آستانه تعطیلی دوهفته‌ای»، «در خبرها آمده تعطیلی دو هفته‌ای تهران در آستانه تأیید نهایی است. سوآلم از مسئولان مربوطه این است که چرا با اینکه ۲۷ استان در وضعیت قرمز قرار دارند و اکثر شهرها در

شهروند مجازی

یکانه خدماتی

غول مرحله آخر

تصاویری که از یک ابر کروکودیل در ایالت فلوریدای امریکا منتشر شد کاربران ایرانی و خارجی را شگفت زده کرد. گفته می‌شود این کروکودیل عظیم الجثه بعد از طوفان در فلوریدا دیده شده و بسیاری از کاربران ایرانی با انتشار فیلم و عکسش با آن شوخی کردند. البته خیلی‌ها هم سعی می‌کردند اطلاعاتی درباره این کروکودیل به بقیه بدهند: «هشاشده یک ابر کروکودیل در خیابان‌های فلوریدا پس از رخداد طوفان و طغیان رودخانه‌ها. ابعاد باورنکردنی این تمساح نشان از طبیعت بکر حوضه‌ایخیرزیر رودخانه سنت جاننر دارد. جالب آنکه موقعیت فلوریدا در امریکاشبهیلوچستان ایران، هر دو در جنوب شرق کشور و برخودار از تمساح است»، «یالا خدا چقدر این گنده است! یکی از دوستانم به شوخی می گفت فلوریدا پلای کتی بری تمساح‌ها میخورن! مثل اینکه اجبوریاست!»، «امریکا نه تنها ترامپ داره بلکه کروکودیل هم وسط خیابوناش داره! امریکا نریسد!»، «در ایالت فلوریدا، ظاهرا دایناسور دارند نه تمساح!»، «بابا فلوریدا چه خبره، دایناسور دارید؟»، «نیمچه کودزیلا اومده، حالا اولیا و مریانش هم کم کم سر و کله‌شون پیدا میشه. بیا بروشین روم توی اتافت و دیگه پیش بینی نکن.» «شنیدم فلوریدا

و



امیر دژاکام

کارگردان و مدرس دانشگاه

یادداشت

یادداشت



امیر دژاکام کارگردان و مدرس دانشگاه

ابلاغیه جدید وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره بازگشایی سالن‌های سینما و تئاتر تا ساعت ۶ عصر به هرسورت در وهله اول گویای تصمیمی برپایه اضطرار است؛ هر کسی می‌تواند متوجه باشد که این تصمیم به این دلیل گرفته شده اما می‌توانیم درباره‌اش حرف بزنیم و به‌عنوان تئاتری‌هایی که چندین ماه است زندگی شغلی و شخصی‌شان تحت تأثیر این مسأله قرار گرفته نکتاتی را در این خصوص بگوییم.
شکل پرداخت به این مسأله را همان‌طور که گفتیم می‌شود به دو قسمت تقسیم کرد: در شرایط اضطرار همه چیز ممکن است و هر اتفاقی ممکن است پیش بیاید به شکلی که همه قاعده‌های قبلی نقض شوند و شرایطی جدید و استثناهایی به وجود بیاید که همه باید تابع آنها باشند. این یک بخش از مسأله است که ما مثلاً در دوران جنگ هم با چنین چیزی روبه‌رو بوده‌ایم و می‌توانیم استثنا را درک کنیم؛ اما برای هراستثنا و استثنای طبیعی‌با یک دلیل منطقی وجود داشته باشد که آن دلیل منطقی و عقلانی برای همه ایجاب می‌کند که آن تصمیم را بهترین تصمیم قلمداد کنند اما درباره این تصمیم و این ساعاتی که اعلام شده چند سؤال و ابهام وجود دارد و آدم حق دارد که پرسش کند.
لکنه اول اینجاست که اصولاً تئاتر به‌صورت معمول تا ساعت شش تعطیل است و تمرین‌ها هم همیشه ظهر به بعد است و مردم هم صبح‌ها سر کار هستند و عصر برای وقت‌های آزاد خود تصمیم می‌گیرند که به تئاتر و سینما بروند؛ اینکه ما تا ساعت شش بتوانیم فعالیت داشته باشیم کمی غیرمنطقی و غیرکارشناسی به نظر می‌رسد.
ضرب‌المثلی داریم که می‌گوید همه جا تاریخ است

هفته کتاب؛ توأمان جشنواره و تحلیل

تاریخچه برگزاری «هفته‌کتاب» به آبان ۱۳۰۰هـ سال ۱۳۲۲بازمی‌گردد؛ هفته‌ای که با نامگذاری ۲۴ آبان‌ماه به‌عنوان «روز کتاب و کتابخوانی و کتابدار» با مناسبت سالروز درگذشت علامه طباطبایی (۱۳۶۰) گره خورده و حول محور این روز، برنامه‌ریزی و تعیین می‌شود.امروز ۲۴ آبان‌ماه۱۳۹۹، نخستین روز بیست‌وششمین هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران است و مؤسسه خانه کتاب و ادبیات ایران به‌عنوان مجری اصلی و دستگاه‌ها وسازمان‌های دیگر به‌عنوان نهادهای همکار، همچون سنوات گذشته درصدد اجرایی کردن برنامه‌های مختلفی در سراسر کشورند.

در این‌باره که چه رویکردی به‌عنوان رویکرد غالب باید در این هفته محوریّت داشته باشد، نظرات متفاوتی وجود دارد. گروهی معتقدند این رویداد باید همانند رویدادهای فرهنگی و هنری دهه فجر، ماهیتی جشنواره‌ای داشته باشد و جنبه‌های تبلیغی و ترویجی آن در جامعه برترنگ‌تر باشد. عقیده دیگر این است که در این هفته، باید به‌سراغ حلقه‌های مختلف صنعت نشر و دستگاه‌های مسئول در حوزه کتاب و کتابخوانی رفت و ایام را به تحلیل شرایط، آسیب‌شناسی و تعیین راهکارهایی برای رفع مشکلات گذراند. برخی نیز بر آمیزه‌ای از این دو رویکرد، نظر دارند و هر دو نگاه را به‌شکل توأمان، ضروری می‌دانند. با این اوصاف، تأملی کوتاه بر موقعیّت و جایگاه کتاب در جامعه و نزد اهالی نشر به‌طور توأمان خالی از لطف نیست.

مطابق با اخبار و شرح‌حالی‌هایی که در ماه‌ها و چه‌بسا سال‌های اخیر از اهالی صنعت نشر خوانده و شنیده‌ایم، این صنعت بواقع کوچک، با مشکلات و تنگناهای ریزودرشت متعدّدی مواجه است؛ کوچک به این معنی که مطابق با اطلاعات رسمی، بهای کل کتاب‌هایی که در طول یک سال از سوی ناشران تولید می‌شود، براساس خوداظهاری ناشران در زمینه اعلام شمارگان کتاب‌های چیزی حدود ۳۰۰۰ میلیارد تومان است که در مقایسه با هزینه‌تولید در سایر بازارها و صنوف تولیدی در کشور، رقم ناچیزی می‌نماید. بررسی سایر شاخصه‌های آماری در حوزه تولید کتاب، تصویر واضح‌تری را از موقعیّت این صنعت به‌دست می‌دهد. شمارگان متوسط کتاب‌ها که در یکی، دو دهه اخیر، همواره سیری نزولی داشته، در شش‌ماه نخست سال جاری به مرز ۱۲۰۰ نسخه رسیده است. از سوی دیگر، عوامل مختلفی ازجمله وارداتی بودن مواد مصرفی مورد نیاز در تولید کتاب از فیلم و زینک و جوهر دستگاه‌های چاپ گرفته تا کاغذ و چسب صحافی و... همچنین تنگناهای اقتصادی که تحریم‌های چندسال اخیر نیز به آنها دامن زده، قیمت متوسط کتاب را در کشور، از مرز ۴۰هزار تومان فراتر برده است؛ رقمی که برای قشر متوسط کتابخوان، به‌گرا نی کتاب‌تعبیر می‌شود. جایگاه اخوانی کتاب و کتابخوانی نیز با پارامترها و شاخصه‌های مختلفی قابل بررسی وسطح‌سنجی است. مطابق با آخرین اعلام رسمی که از سوی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی صورت گرفت، سرانه مطالعه در ایران، تنها ۱۳ دقیقه است که پابین بودن این شاخص، نسبت مستقیم و دوسویه‌ای با عوامل تولید، خصوصاً روند نزولی شمارگان متوسط کتاب‌ها دارد. مردم، کم کتاب می‌خوانند و این یعنی جایگاه کتاب و مطالعه در جامعه، جایگاه قابل دفاعی نیست.

در چنین شرایطی، ضرورت نگاه توأمان به هفته کتاب که از یک‌سو بر بررسی و تحلیل تنگناها و آسیب‌های موجود در بدنه صنعت نشر با رویکرد گره‌گشایی و از سوی دیگر، بر تبلیغ کتاب و تهییج جامعه به کتابخوانی ناظر است، روشن‌تر می‌شود. واقعیتی که با آن مواجهیم، این است: صنعت گرفتار و نیازمند حمایت و اصلاح و جامعه‌ای که از ایده آل‌های کتاب و کتابخوانی فاصله زیادی دارد. البته که اصلاح شرایط موجود ظرف یک هفته، نه منطقی است و نه کسی چنین انتظاری دارد اما هفته کتاب می‌تواند فرصتی باشد برای ارزیابی، آسیب‌شناسی و جهت‌دهی به جریان‌های مدیریت فرهنگی در حوزه کتاب، فعالیت‌های ترویجی و تبلیغی هم که‌جای خود را دارند.

با آرزوی صحت برای شما جناب پرویز پورحسینی

این روزها کرونا آن چنان می‌تازد که آدمی مات و مبہوت می‌ماندو مدام متأسف رفتگان و نگران مبتلایان است. پرویز پورحسینی بازیگر کهنه کار تئاتر وسینما وتلوویزیون یکی از چهره‌های شناخته‌شده‌ای است که به‌کرونابتلاشده‌ودر بیمارستان‌ها فیروز گریخت مراقبت‌های پزشکی است وتیم پزشک‌های مستقر در بیمارستان خبر خوب داده‌اند که این بازیگر سشناس ایرانی به درمان جواب مثبت داده‌وابراز امیدواری کرده‌اند که هر چه زودتر حالش بهبود پیدا کند. پورحسینی ۲۰ شهریور سال ۱۳۲۰ در تهران به دنیا آمد وسال ۱۳۴۸ وارد دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران شدواز رشته بازیگری در سال ۱۳۵۴ دانش‌آموخته‌شد. اودر آثار کارگردانان نامدار بسیاری از جمله پیتر بروک ، بهرام بیضایی، علی حاتمی، حمیدمسندریان، آریا اوانسیان، مسعود کیمیایی، واوروز کریم مسیحی ایفای نقش کرده‌وامیدواریم هر چه‌زودتر صحیح وسالم به آغوش جامعه‌هنری وخانواده‌اش بازگردد. پورحسینی دریکی از مصاحبه‌هایش می‌گوید: «سخت‌گیرترین منتقد خودم هستم. اهل خودشیفتگی نیستم. دوست‌دارم بیشتر نقد شوم، چون به‌بتر شدن کارم کمک می‌کند. گاهی مردمی که در کوچه‌وخیابان با آنها خبرخورد می‌کنیم بهترین منتقدان ومشوقان ما هستند.»

دست بچه‌های تئاتر را بگیریم

پشت در روشن؛ اتفاقی که ممکن است صبح بیدفت، عصر نخواهد افتاد؟ اساس این تفاوت را متوجه نمی‌شوم جز اینکه تا پیش از این ساعت کمتر کسی به دیدن تئاتر می‌آید و اصولاً از هر طرف که نگاه کنی تفاوتی بین شب و روز وجود ندارد جز اینکه پیش از این ساعت همان تعداد کم مخاطب هم به خاطر درگیری‌ها و مشغله‌های شخصی به سالن تئاتر نمی‌آیند. خود من در سالن چهارسو اجرایی دارم که بالاخره بعد از دو ماه نوبت‌اش شده و چند بار هم در این مدت تعطیل شد و حالا طبق این ابلاغیه باید ساعت ۴ عصر کارم را روی صحنه ببرم که هر طور فکر می‌کنم می‌بینم هیچ چیزش با هم جور در نمی‌آید. ما استثنا را می‌فهمیم اما اینجا را متوجه نمی‌شویم؛ از سوی دیگر باز هم همه دوستان و اهالی و مدیران دغدغه‌مند را به این نکته ارجاع می‌دهم که دقت داشته باشند همه جا باز است از رستوران بگیرد تا کافه و... و فقط این تئاتر است که این‌طور تعطیل می‌شود یا پالش‌هایی اینچنینی روبه‌رو می‌شود. واقعاً هر چقدر بگوییم کم است که بچه‌های تئاتر سخت‌ترین دوره تاریخی خود را می‌گذرانند و اینها هستند که هیچ دستمزدی از هیچ‌جا نمی‌گیرند و چند ماه است یک ریال در آمد نداشته‌اند. این‌کسی تا الان شنیده در محیط تئاتر کسی خدای ناکرده مبتلا به کرونا شود؟ مطلقاً چنین اتفاقی نیفتاده چون ساعت تجمع کم است و رعایت پروتکل‌ها در بهترین شکلش اتفاق می‌افتد اما در سینما و تلوویزیون دیده و شنیده‌ایم که همکاران عزیز ما در پروژه‌های سینمایی به کرونا مبتلا شدند و آخرین قربانی‌اش کریم‌گیری مبارک عزیز بود. انتظار را تئاتری‌ها اتخاذ تصمیماتی بهتر یا دورنمایی بهتر است که واقعاً جنبه حمایتی داشته باشد و اگر پروتکل‌های بهداشتی را ابلاغ می‌کنیم پروتکل‌های حمایتی را هم ابلاغ کنیم و دست بچه‌های تئاتر را بگیریم.

رمانی سراسر امید و عشق به زندگی

«کاتوره» یعنی سرگردان، شیفته و حیران! افزون‌بر این‌عنوان آخرین نوشته‌ای است که از بیتا شباهنگ، فیلم‌نامه‌نویس و نویسنده کشورمان در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفت. رمانی که چاپ دوم آن به‌تازگی از سوی نشر «آفتابکاران» روانه کتابفروشی‌ها شده وبرخوردار از شخصیت‌هایی عاشق پیشه‌و همچون نام‌کتاب حیران. کاتوره درباره شایان صفایی است، یکی از شخصیت‌های اصلی این رمان که به گفته نویسنده‌اش، سال‌های بی‌شماری از زندگی‌اش همچون نام کتاب سپری شده، هرچند که در نهایت پیشامدی غیرمنتظره او را از مسیر زندگی‌اش جدا کرده و به فضایی ناآشنا پرتاب می‌کند. این نوشته در ۷ فصل و ۳۲ بخش نوشته‌شده، ازجمله ویژگی‌های این نوشته، همچون دیگر کارهای شباهنگ وسواسی است که در بار بردن کلمات و از سویی چپش آنان کنار هم به خرج داده، هرچند که نمی‌توان از پارادوکس‌های متعددی که به کار برده هم صرف نظر کرد؛ ازجمله آنجا که می‌گوید: «توی

تاریک‌روشن پیاده‌رو زریں روبه او و پشت به مسیری که می‌روند جست‌وخیزگان عقب عقب می‌روند.» این تنها نوشته شباهنگ نیست، «گرچه‌های اشرافی» هم اثر دیگری است با همکاری انتشارات نگاه که او به یادگار مانده است. این مجموعه داستان دربردارنده ۱۳ داستان کوتاه است. شباهنگ که در عرصه سینما هم چه به‌عنوان دستیار کارگردان و چه فیلم‌نامه نویس فعالیت‌های مختلفی داشته، نویسنده‌ای است که ازجمله ویژگی‌های بارز او را می‌توان به تصویر کشیدن تصویری واقع‌گرایانه از طیف‌های مختلف اجتماعی دانست، او این هدف را با خلق آدم‌هایی که غرق گرفتاری‌های زندگی امروز هستند محقق کرده است. نخستین داستان‌های شباهنگ با نام مستعار «المیرا شایان» در ماهنامه هفت منتشر شد، فیلم‌های سینمایی همچون «گرگ بازی»، «ندان زنان» و همچنین سریال تلویزیونی «این راهش نیست» ازجمله کارهایی هستند که در ساخت آنها همکاری داشته‌ا است، اما چرا در توصیف آثار منتشر شده‌اش از واژه «به یادگار مانده» استفاده کردیم! این نویسنده و فیلم‌نامه نویس بهمن سال ۱۳۹۶ بعد از یک دوره طولانی ابتلا به بیماری سرطان ریه در حالی در ۴۴ سالگی با زندگی وداع گفت که هرگز انتشار رمان «کاتوره» را ندید، هرچند که به گفته ناشر همچنان سراسر امید و عشق به زندگی بود؛ مشخصه‌ای از ویژگی‌های اخلاقی بیتا شباهنگ که ردپای پررنگی از آن در این رمان هم دیده می‌شود.

■ **کتاب: کاتوره**

■ **نویسنده: بیتا شباهنگ**

■ **نشر: آفتابکاران**

مگر آدم می‌تواند

چشم‌هایش را ته رودخانه

باز کند؟ آنجا تاریک

نیست؟ گیاه ندارد؟ ماهی

چطور؟ از آن زیر می‌شود

آسمان را دید که حتماً

دیگر آبی نیست. ته آب

چطور می‌شود فهمید که

امروز چند شبانه‌است؟

یوزپلنگانی که با من دویده‌اند/ بیژن نجدی آغاز ۲۴ آبان ۱۳۲۰ – پایان ۴ شهریور ۱۳۷۶

به نام تاریخ

در روز دویست و چهارم از سال باید از نام‌های بزرگ ادبیات و هنر ایران و جهان یاد کنیم که امروز سالروز

تولد یا درگذشت‌شان است.

■ **تولدها**

بیژن نجدی: شاعر و نویسنده معاصر ایرانی سال ۱۳۲۰ در چنین روزی به دنیا آمد. بیژن نجدی از سال ۱۳۴۵ کارش را در زمینه ادبیات آغاز کرد. او هم شعر می‌گفت و هم داستانی می‌نوشت اما تنها یک مجموعه داستان به نام «یوزپلنگانی که با من دویده‌اند» از او در سال ۱۳۷۳ منتشر شد که همان اثر هم بسیار مطرح شد و جایزه قلم زرین جایزه گردون را برای نجدی همراه داشت. پس از درگذشت نجدی در سال ۱۳۷۶ همسرش آثاری از او مانند «دوباره از همان خیابان‌ها»، «تاریکی در پرتوین»، «سپرده در زمین»، «گیاهی در قرنطینه» و «مرثیه‌ای برای چمن» را منتشر کرد. نجدی از پیشگامان داستان نویسی پست مدرن ایران است.

کلود مونه:امروز سالروز تولد یکی از بنیانگذاران مشهور سبک امپرسیونیسم است که در سال ۱۸۲۰ به دنیا آمد. کلود مونه نقاش فرانسوی در آکادمی سونیس و مدرسه هنرهای زیبای پاریس تحصیل کرد و از سال ۱۸۷۴ با شرکت در نخستین نمایشگاه امپرسیونیست‌ها مطرح شد؛ البته اصطلاح امپرسیونیسم از یکی از نقاشی‌های او با نام «دریافتی از طلوع آفتاب» گرفته شد که مونه سال ۱۸۷۲ را کشید. او تا سال ۱۸۸۲ در نمایشگاه‌هایی از دین شرکت می‌کرد وسال ۱۸۹۹ کشیدن مجموعه تابلوهایی «نیلوفرهای آبی» را آغاز کرد که جزو آثار مطرح نقاشی جهان هستند و اکنون در موزه هنرهای زیبای سانفرانسیسکو نگهداری می‌شوند. کلود مونه بر ادبیات جهان هم بسیار تأثیر گذاشت و نویسندگانی مانند آنتوان جخوف تحت تأثیر او بودند. وی سال ۱۹۲۶ در گذشت.

یانی:پانیس کریسموالمیس موسیقیدان و پیانیست یونانی مشهور جهان که در دنیای هنر به یانی معروف است.امروز ۶۶ ساله می‌شود. یانی از کودکی با نواختن پیانو و آکاردئون استعدادش را در زمینه موسیقی نشان داد و پس از آن با تشویق خانوادش بدون آموزش رسمی این هنر را ادامه داد. او در سال ۱۹۷۷ به یک گروه راک در یونان پیوست و با آنها همکاری کرد و در سال ۱۹۸۰ اولین آلبومش را با نام «آپتیمستیگ» منتشر کرد. او در سال ۱۹۸۷ گروه موسیقی خودش را تشکیل داد و با اجرای توره‌ای مختلف به شهرت رسید اما کنسرت او در آکروپولیس یونان در سال ۱۹۹۳ از او یک چهره جهانی ساخت و به دومین کنسرت موسیقی ویدئویی پرفروش تاریخ هم تبدیل شد. او در مکان‌های تاریخی مانند تاج محل هم اجرا کرده و تاکنون آلبوم‌های «کلید تخیل»، «از روی سکوت»، «بارتات احساس»، «در چنین زندگی»، «در زمان من» و «آپایشی احساس برانگیز» از او منتشر شده است.

آسترید لیندگرن: نویسنده سوئدی کتاب‌های کودک ونوجوان سال ۱۹۰۷ متولد شد. «درد دل‌های بریت ماری» اولین کتاب او بود که در سال ۱۹۴۴ منتشر شد و در یک جایزه ادبی سوئدی به نام رابن و شوگرن هم

برنده شد. سال بعد او بری نوشتن مشهورترین اثرش یعنی «پی پی جرواب بلند» تالش کرد که در واقع با الهام از دختر خردسال یکی از در زمانی که بیمار بود نوشته شد. این کتاب از زمان انتشارش یکی از محبوب‌ترین کتاب‌های کودکان جهان بود و اکنون هم آسترید لیندگرن با آن شناخته می‌شود. «کارلسون روی پشت بام»، «میو، میو من»، «برادران شیردل» و «ما بچه‌های بولروپ» از دیگر آثار آسترید لیندگرن است. او یکی از برندگان جایزه هانس کریستین آندرسن بود که در سال ۱۹۵۸ این جایزه را به دست آورد و اکنون هم یک جایزه ادبی به نام خودش برای نویسندگان سوئدی کتاب‌های کودک در نظر گرفته شده است. آسترید لیندگرن سال ۲۰۰۲ در گذشت و مجموعه‌سخره‌های دستنویس کتاب هایش از طرف یونسکو به عنوان بخشی از میراث فرهنگی جهان ثبت شده است.

❖ **محمدرضا کوهستانی** نمایشنامه‌نویس، **سیماکوبان** نقاش و مجسمه‌ساز، **عباس مهربادیان** بازیگر، **بهرام دمقانی** تدوینگر، **حامد ابراهیم‌پور** شاعر، **اعظم عطیمی** داستان‌نویس و **امیرعباس گلاب** خواننده هم متولد امروز هستند.

■ **درگذشت**

رهی معیری: غزلسرای ایرانی که با تصنیف‌هایی مانند «شد خزان» شناخته می‌شود سال ۱۳۴۷ در چنین روزی درگذشت. رهی معیری متولد سال ۱۲۸۸ بود و ۱۷در سالگی اولین رباعی‌اش را سرود. اودرانجمن‌های ادبی مختلف شرکت می‌کرد و سال ۱۳۴۵ مجموعه‌ای از اشعارش با نام «سایه عمر» منتشر شد. بسیاری از اشعار او توسط خوانندگان مشهور خوانده شدند. آثاری مانند «نوای نی»، «شب جدایی»، «یاد ایام»، «کاروان» و «مرغ حق». او در برنامه گل‌های رنگارنگ رادیو هم با داوود پیرنیا همکاری می‌کرد.



جورج روزیز هنرمند برزیلی که با طراحی ماسک برای کارناوال‌های مختلف شهرت دارد این روزها ماسک‌هایی طراحی می‌کند که شبیه به صورت مردم است. این هنرمند از ماسک‌های سفید برای نقاشی کردن بخش پایینی چهره افراد مختلف استفاده می‌کند و زمان زیادی را صرف خلق جزئیات صورت همچون خطوط پوست و یال‌ها می‌کند و کسانی که دوست ندارند با استفاده از ماسک در دوران کرونا چهره خود را ببوشانند، طرفدار این ماسک‌ها شده‌اند. روزیزی می‌گوید: «استفاده از ماسک برای جلوگیری از ابتلا به ویروس کرونا حیاتی است. من با خلق این ماسک‌ها واکنش‌های بسیار مثبتی دریافت کرده‌ام و این ماسک‌ها باعث خنده مردم شده است. چیزی که قرار بود مایه ناراحتی باشد حالا به عاملی برای خوشی تبدیل شده است.»

عکس نوشت